

علل پیدایش آیات مستثنیات سورهٔ انعام

محمد علی حیدری مزرعه آخوند*

زیور کریمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲

چکیده

به وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی و آیات مکی در سوره‌های مدنی آیات مستثنیات گفته می‌شود. ده آیه از آیات سورهٔ انعام در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است اما بر اساس روایات ترتیب نزول می‌دانیم که سورهٔ انعام مکی است و روایتی مبنی بر نزول پیوسته آیات وجود ندارد. در این تحقیق آیات مستثنیات سورهٔ انعام بررسی و ریشه‌یابی شده و به این نتیجه رسیده است که از اسباب نزول‌های جعلی و خلط میان ملاک‌های مکی و مدنی و معنای لغوی و اصطلاحی برخی فقرات آیات و نیز بعضاً بر اساس ذوق و سلیقه شخصی، مسئله آیات مستثنیات این سوره زاده شده است. در ادامه با استفاده از ارتباط ظاهری و محتوایی بین آیات و نقد روایات اسباب نزول و بررسی مفهوم حقیقی فقرات آیات این نتیجه به دست آمده است که سورهٔ انعام یکپارچه در مکه نازل شده و آیات مستثنیات در این سوره جایگاهی نداشته و در طول تاریخ تفسیر با اجتهاد نادرست مفسران به وجود آمده‌اند.

واژگان کلیدی

سورهٔ انعام، آیات مستثنیات، اسباب نزول، مکی و مدنی، ارتباط آیات.

طرح مسئله

یکی از مسائل مهم در فهم تفسیر قرآن کریم علم مکی و مدنی آیات و سور قرآن کریم است. دانشمندان علوم قرآن و تفسیر، مبانی و روش‌هایی برای شناخت مکی و مدنی بودن سوره‌های قرآن بیان کرده‌اند که در این میان می‌توان به روش‌های نقلی، سیاق، آماری، سبک و اسلوب و ... اشاره کرد. هر یک از روش‌های فوق از ضعف و قوت‌هایی برخوردار است که بر اساس نظر محققان روش نقلی - روایی بهترین روش در شناخت مکی و مدنی است.

در این میان برخی آیات بر خلاف نزول کل سوره تشخیص داده شده و به اصطلاح آن آیه مستثنی شده است. آیات مستثنیات در اصطلاح به آن دسته از آیات مدنی در سوره‌های مکی و آیات مکی در سوره‌های مدنی که بر اساس اجتهاد مفسران استثناء شده باشند، گفته می‌شود. نفی آیات مستثنیات زمانی تقویت می‌شود که از صحابه بیان شده است که با نزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» متوجه می‌شدند که آیات سوره مورد نزول تمام شده و سوره‌ای دیگر شروع شده است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۴). اگرچه این سخن منافاتی با جای گذاری برخی از آیات توسط پیامبر(ص) در آن سوره‌ای که هنوز کامل نشده است ندارد؛ زیرا هنوز پرونده آن سوره بسته نشده است و از طرفی دیگر آن آیات از یک پشتوانه نقلی محکمی برخوردارند، اما آیات مستثنیات از این دو مزیت برخوردار نیستند.

اولین بار **مقاتل بن سلیمان** در تفسیرش با اجتهاد خویش از آیات مستثنیات یاد کرده و تعداد محدودی از آیات را مستثنی نمود. سپس در طول تاریخ تفسیر بر اساس اجتهاد مفسران بر تعداد آن‌ها افزوده شد. مستثنی نمودن آیات، مبانی و دلایل متفاوتی دارد؛ یکی از علل‌های پیدایش آیات مستثنیات، اسباب نزول‌های جعلی است که مفسر با اصل قرار دادن آن ناگزیر شده برای حل تعارض، آیه‌ای خاص را بدون پشتوانه روایتی در تعیین مکی و مدنی، از جمله مستثنیات به حساب آورد. نیز آیات مستثنیات از خلط میان معنای لغوی و اصطلاحی برخی کلمات و تفسیر نادرست آیه و خلط میان معیارهای شناخت مکی و مدنی، زاده شده است.

برخی از مفسران بدون توجه به معیار زمان و اصل قرار دادن معیارهای مکان، موضوع و خطاب آیاتی را از جهت نزول بر خلاف معیار زمان دانسته‌اند و از این طریق آیاتی به‌عنوان آیات مستثنیات خلق کرده‌اند. مانند آیه ۳ سوره مائده. از آنجایی که آیه در روز غدیر و در مکه نازل شده است، برخی آن را از سوره‌ی مائده که مدنی است استثناء کرده‌اند؛ بنابراین این آیه با معیار مکان مکی و با معیار زمان مدنی است و هرگاه معیار بر زمان نهاده شود، دیگر استثنا شدن این آیه جایگاهی ندارد.

یکی دیگر از این سوره‌ها، سورهٔ أنعام است. از آنجایی که روایتی صریح از معصوم(ع) بر نزول یکپارچه سوره أنعام بیان شده است، ضرورت نقد و بررسی آیات سوره أنعام دوچندان می‌شود. به‌طور کلی مفسران در طول تاریخ تفسیر ۱۰ آیه از این سوره را در زمرهٔ آیات مستثنیات قرار داده‌اند که این پژوهش به دنبال ریشه‌یابی و علل‌های پیدایش آیات مستثنیات این سوره است و به دنبال بیان این مسأله که آیا آیات مستثنیات سورهٔ أنعام با سیاق آیات سازگاری دارد یا خیر؟

درباره پیشینه تحقیق می‌توان به مقاله «بررسی آیات استثنایی سوره‌های أنعام و اسراء» اشاره کرد که بیشتر جنبه گزارشی دارد. مزیت این مقاله نسبت به مقاله مذکور این است که در ابتدا به ریشه‌یابی و علل پیدایش آیات مستثنیات سورهٔ انعام پرداخته، سپس با نقد روایت‌ها و اسباب نزول جعلی در ذیل آیات مستثنیات، با دلایل قرآنی، روایی، بلاغی و سیاق آیات مستثنیات این سوره را رد نموده است.

در ادامه با نگاهی کلی به سورهٔ أنعام در راستای مکی و مدنی به بررسی علل و عوامل پیدایش آیات مستثنیات این سوره پرداخته می‌شود:

۱. سورهٔ أنعام در نگاه مفسران از جهت مکی و مدنی

مفسران و عالمان علوم دینی در مکی و یا مدنی بودن سوره أنعام اختلافی ندارند بدین معنا که این سوره در زمره‌ی سوره‌های اختلافی در باب مکی و مدنی نیست، تنها اختلافی که بین مفسران است، اختلاف در آیات مستثنیات این سوره است. از آنجایی که تمام روایت‌های ترتیب نزول، نزول این سوره را در ردیف پنجاه و پنجمین سورهٔ نازل شده بین دو سوره صافات و حجر و در دوران میانی مکه گزارش کرده‌اند (نک: ابن ضریس، بی تا، صص ۳۴-۳۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴؛ شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۳۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۸)، هیچ مفسری آن را مدنی ندانسته و حق نیز همین است و از آنجایی که برخی از مفسران برخی از آیات آن را از نزول کل سوره مستثنی کرده‌اند، با توجه به روایت عام در راستای نزول سوره‌ها و روایت خاص در راستای نزول سورهٔ أنعام قابل پذیرش نیست. آن روایت‌ها چنین‌اند:

از امام صادق(ع) روایت شده است: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كِتَابًا إِلَّا وَ فَاتِحَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِمَّا كَانَ يُعْرَفُ انْقِضَاءُ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ ابْتِدَاءُ الْآخِرِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۶).

از فحوای روایت فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که با نزول بسمله تمام آیات سوره در حال نزول نازل شده است و پرونده آن از جهت نزول بسته شده است. همچنین در روایت دیگری در رابطه با سوره انعام آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعَامِ نَزَلَتْ جُمْلَةً شَبَّعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ حَتَّى أُنزِلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ ص فَعَظَّمُوهَا وَبَجَلُوهَا فَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا فِي سَبْعِينَ مَوْضِعًا وَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي قِرَاءَتِهَا مَا تَرَكُوهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۱۷۵).

روایت فوق در بسیاری از کتاب‌های حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت نقل شده است و بر این دلالت دارد که آیات سوره انعام یک پارچه و با هم نازل شده است و با نظریه آیات مستثنیات سازگاری ندارد و از آنجایی که آیات مستثنیات از راه اجتهاد مفسران در طول تاریخ زاده شده است، نمی‌تواند بر سخنی که ریشه و مبانی نقلی و حدیثی دارد مقابله کند و به تعبیری اجتهاد در مقابل نص (روایت) است. بدین معنا که اجتهاد مفسر نباید در تناقض با روایت صریح معصوم باشد. بنابراین با توجه به روایت‌های فوق و نزول یک پارچه سوره انعام به بررسی، نقد و ریشه‌یابی پیدایش آیات مستثنیات این سوره پرداخته می‌شود:

۲. عوامل پیدایش آیات مستثنیات سوره انعام

از آنجایی که معتبرترین روش در تعیین مکی و مدنی روش نقلی است، نمی‌توان برای اجتهاد مفسران در تعیین آیات و سوره‌های مکی و مدنی اعتبار زیادی قائل شد، کمابینه پیدایش آیات مستثنیات سوره انعام علل‌هایی دارد که با اصول و مبانی و اعتقادات شیعه در تضاد است؛ از جمله اعتباربخشی به روایات سبب نزول‌هایی که صحابه پیامبر اکرم (ص) در سلسله سند آنها هستند به جهت عادل شمردن صحابه در نزد اهل سنت، با کنکاش در آیات مستثنیات سوره انعام می‌توان نتیجه گرفت که اسباب نزول جعلی، خلط میان معیارهای تعیین مکی و مدنی و نیز خلط میان معنای لغوی و اصطلاحی و بعضاً بر اساس ذوق و سلیقه شخصی آیات مستثنیات این سوره به وجود آمده است.

در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

۱-۲. اسباب نزول جعلی

دو آیه از آیات استثنا شده این سوره بر اساس اسباب نزول جعلی مستثنی شده‌اند که در ادامه به شرح و بیان هر یک پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱. ابطال نظریهٔ مدنی بودن آیهٔ ۲۰ سورهٔ أنعام

یکی از آیاتی که در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است آیه: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (الأنعام: ۲۰) است که در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیهٔ مستثنی

اولین بار در قرن دوم مقاتل بن سلیمان با اجتهاد خویش این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار داد، پس از وی هیچ‌کدام از مفسرانی که در بیان و استقصاء آیات مستثنیات بوده‌اند این آیه را در ردیف مستثنیات ذکر نکرده‌اند تا اینکه در قرن چهاردهم محمد بن طاهر بن عاشور در تفسیر التحرير و التنوير (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۰) و محمد جمال الدین قاسمی در المحاسن التأویل (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۰۷) این آیه را در زمرهٔ آیات مستثنیات قرار داده‌اند. از جهت زمانی ریشه پیدایش استثنا شدن این آیه به مقاتل بن سلیمان باز می‌گردد که مقاتل در ذیل آیه هنگام تفسیر، این عبارت را ذکر کرده است «حدثنا عبید الله، قال: حدثني أبي، قال: حدثنا الهذيل عن مقاتل، قال: إن عبد الله بن سلام قال: لأنا أعرف بمحمد - عليه السلام - مني بابي» (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۵۴). با توجه به وجود عبدالله بن سلام در این روایت و دوران زندگی در مدینه، مقاتل را بر آن داشت تا این آیه را مدنی بیندارد و از آنجایی که بهترین راه شناخت مکی و مدنی بودن سوره‌ها نقل و روایت است نه اجتهاد، نمی‌توان به اجتهاد مقاتل اعتبار داد. در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱-۲. نقد و بررسی نظریهٔ علل پیدایش

به نظر می‌رسد مقاتل بن سلیمان بین آیات «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (البقره: ۱۴۶) و آیه ۲۰ سورهٔ أنعام خلط کرده است، زیرا این دو آیه بسیار به هم شبیه هستند و در لابلای کتاب‌های اسباب نزول در ذیل آیهٔ ۱۴۶ بقره روایتی بیان شده است که مقاتل آن را سبب نزول آیهٔ ۲۰ أنعام پنداشته است. در هیچ منبعی در ذیل آیهٔ ۲۰ أنعام روایتی با مضمون فوق بیان نشده که حاکی از سبب نزول این آیه باشد، اما در ذیل آیهٔ ۱۴۶ بقره در کتاب‌های اسباب نزول چنین آمده است:

«این آیه درباره یهودیان مسلمان شده مانند عبد الله بن سلام و یارانش نازل شده است که اوصاف رسول اکرم و پیش‌بینی بعثت را از کتاب (آسمانی) خود دریافت کرده بودند و همه پیامبر (ص) را آن‌چنان که کسی فرزند خود را میان پسران بشناسد، می‌شناختند» (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۸؛ عنایه، ۱۴۱۱، ص ۱۰۶).

نیز ابن عاشور در ابتدای سورهٔ أنعام آیه ۲۰ را به جهت سبب نزولش مدنی می‌داند و بیان سبب نزول را به هنگام تفسیر آیه وعده می‌دهد، اما در هنگام تفسیر آیه از هیچ سبب نزولی یاد نمی‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹). علاوه بر این در لابلای تفاسیر در ذیل آیه ۲۰ أنعام از ابو حمزه ثمالی روایتی بیان شده است که نزول این آیه را در مکه تثبیت می‌کند. آن روایت چنین است:

«هنگامی که پیامبر وارد مدینه شد عمر از عبدالله بن سلام پرسید خداوند در کتابش در مکه چنین فرموده است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ» این معرفتی که خداوند از آن یاد می‌کند، چگونه است؟ عبدالله بن سلام در پاسخ گفت: من به محض آنکه پیامبر (ص) را دیدم او را کامل شناختم، همچنان که پسر من را می‌شناسم بلکه کامل‌تر از فرزندم» (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۵؛ زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۵۳۶؛ مراغی، بی تا، ج ۷، ص ۹۴).

از روایت فوق به صراحت استنباط می‌شود که آیه ۲۰ أنعام در مکه نازل شده است و در ذهن عمر سؤالی بوده است که به محض ورودش به مدینه از عبدالله بن سلام پرسیده است. علت دیگری که سبب شده است تا برخی از مفسران به مدنی بودن این آیه حکم دهند، خلط میان معیارهای تشخیص مکی و مدنی و اصل قرار دادن معیار خطاب و موضوع است، زیرا در لسان دانشمندان علوم قرآنی چنین بیان شده است:

«سوره‌هایی که مربوط به منافقان و یهودیان است و احکام خاص آن‌ها را بیان می‌کند، مدنی است» (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۴).

همچنین برخی دیگر از مفسران معتقدند که: «ویژگی‌های سوره مدنی این است که اهل کتاب، اعم از یهود و نصاری را به اسلام دعوت می‌کند و در عقاید باطلشان با آنها جدل می‌نماید و پیوسته مشترکات اهل کتاب با دین اسلام را ذکر می‌کند» (زرقانی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۹؛ صبیحی صالح، ۱۹۸۸، ص ۱۸۳).

در حالی که این معیارها، معیارهایی جامع نیستند، برخی دیگر بر این اعتقاد هستند که ارتباط پیامبر (ص) و قرآن با یهودیان بعد از هجرت و در مدینه بوده است، در حالی که این فرض نادرست است و برخی چون طنطاوی در تفسیر الوسیط للقرآن الکریم (نک: طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۵) و دروزه در التفسیر الحدیث (نک: دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۷۶) آن را خطای محض می‌دانند و

برای دلایل خود به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند که پیامبر اکرم (ص) در حالی که در مکه بود، در وصف اهل کتاب و اعتقاداتشان آیاتی ذیل را بیان کرد:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ» (القصص: ۵۲)، «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ» (العنكبوت: ۴۷) نیز آیات الاسراء: ۱۰۷-۱۰۹؛ الأحقاف: ۱۰ و الرعد: ۳۶، در حالی که هیچ مفسری این آیات را گرچه دربارهٔ اهل کتاب و بیان اعتقاداتشان است، استثناء ننموده است.

۲-۱-۱-۳. بررسی سیاق آیه

یکی از راه‌های نفی آیات مستثنیات، بررسی سیاق آیات است. علامه طباطبایی با اصل قرار دان سیاق، غیرمستقیم بسیاری از آیات مستثنیات را رد نموده است. آیهٔ ۲۰ انعام با آیات قبل و بعدش از دو جهت ظاهری و محتوایی ارتباط دارد و نمی‌توان نزول آیه ۲۰ را مستقل از آیات ۱۹ و ۲۱ دانست. مجموع این آیات بدین شرح است:

«قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أُنْذِرْ لِنَفْسِهِ إِنَّهُ لَأَشْهَدُ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹) الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (۲۱).

مرجع ضمیر «ه» در عبارت «يَعْرِفُونَهُ» در آیه ۲۰ به آیه قبل باز می‌گردد، اگرچه در این زمینه بین مفسران اختلاف است. برخی آن را به رسول و برخی دیگر به قرآن بازگردانده‌اند (درویش، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۳؛ طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۴). البته از جهت بلاغت و سخنوری جدا نمودن این دو آیه خلاف بلاغت است، از جهت محتوایی نیز این آیه با آیات قبلش ارتباط وثیقی دارد. آیه ۱۹ از تصدیق و شهادت خداوند بر وحی و پیامبر و قرآن سخن رانده است و در آیه ۲۰ از تصدیق و شهادت اهل کتاب بر حقانیت قرآن و وحی و نبوت سخن به میان آورده است (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۷۵؛ طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۴). همچنین آیه ۲۰ با آیه ۲۱ ارتباط معنایی دارد چون مصداق ظالمان در عبارت «وَمَنْ أَظْلَمُ» کسانی هستند که آیات خداوند را تکذیب کرده و بر خداوند دروغ بسته‌اند و این افراد شامل برخی از اهل کتاب هستند که در آیه ۲۰ از آن‌ها سخن می‌راند و برخی نیز مشرکانی هستند که در آیه ۱۹ از آن‌ها سخن به میان آمده است.

بنابراین با توجه به دلایل فوق و نبود هیچ روایت مستندی بر نزول آیه ۲۰ سوره أنعام در مدینه، نتیجه‌گیری می‌شود که این آیه نیز به همراه کل سوره در مکه نازل شده است و استثنا نمودن این آیه به جهت اعتبار دادن به روایتی است که مقاتل بن سلیمان آن را نقل کرده است.

۲-۱-۲. ابطال نظریه مدنی بودن آیه ۹۳ سوره أنعام

آیه ۹۳ سوره أنعام نیز در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ» (الأنعام: ۹۳). در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود:

۲-۱-۲-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

اولین بار مقاتل بن سلیمان در تفسیرش با اجتهاد خویش این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار داد (نک: بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۴۸) با این استدلال که قسمت اول آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّْ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ» به سبب حادثه مسیلمه کذاب و قسمت دوم آن «وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ...» به سبب حادثه عبدالله بن ابی سرح نازل شده است.

مفسران دیگری چون سمرقندی و شیخ طوسی نیز این سخن را نقل کرده‌اند؛ اگرچه برخی سبب نزول آن را أسود عنسی نیز ذکر کرده‌اند و برخی به صراحت علت این استثناء شدن را سبب نزول آن می‌دانند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۶) زیرا مسیلمه و أسود در دوران پایانی مدینه ادعای نبوت و پیامبری کرده و عبدالله بن ابی سرح نیز نه در مکه، بلکه در مدینه مرتد شد و دوباره به مکه باز گشت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برخی از مفسران از جمله مقاتل بن سلیمان به جهت جمع بین مکی بودن سوره و تطبیق آیه ۹۳ آن با افرادی چون مسیلمه و أسود و عبدالله بن ابی سرح که گفته شده سبب نزول آیه هستند و در مدینه حضور داشته، اصطلاحی خلق کرده‌اند به نام آیات مستثنیات؛ اما هنگامی که سبب‌های نزول فوق شفاف، نقد و طرد شود دیگر نیازی نیست برای حل تعارض بین مکی بودن سوره و سبب‌های نزول جعلی آن از آیات مستثنیات کمک گرفت.

۲-۱-۲-۲. نقد و بررسی نظریه علل پیدایش آیه مستثنی

سبب‌های ذکر شده از دو جهت تناقض درونی و اضطراب متنی ضعف دارند که در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

۲-۱-۲-۲-۱. تناقض بین سببها

اولین نکته بر باطل بودن حوادث مسیلمه، أسود و عبدالله بن ابی سرح به عنوان سبب نزول آیه ۹۳ سوره أنعام این است که آیه به طور کامل نازل شده و در این که تاریخ نزول قسمت اول آیه با قسمت دومش متفاوت باشد، هیچ مفسّر و یا محققى با آن موافق نیست، یعنی در میان محققان هیچ نظری وجود ندارد که کلمات و جمله‌های یک آیه نیز در زمان‌های متفاوت نازل شده‌اند، اما اگر سبب‌های نزول فوق را بپذیریم، ناگزیر باید نزول آیه را در دو زمان نسبتاً دور از هم متصور شد زیرا سبب نزول قسمت اول، مسیلمه و سبب نزول قسمت دوم، عبدالله بن ابی سرح است، و زمان ادعای پیغمبری مسیلمه در سال یازدهم هجری و زمانی است که پیامبر اکرم (ص) در بستر بیماری است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۸۱) اما زمان ارتداد عبدالله بن ابی سرح قبل از فتح مکه در ۲۰ رمضان سال هشتم هجری است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۵۵).

بنابراین حداقل بین نزول قسمت اول آیه و قسمت دوم آن حداقل ۳ سال فاصله افتاده است، در حالی که نه هیچ روایتی این را تأیید می‌کند و نه نظر هیچ مفسّری. دلیل دیگر بر نفی حادثه‌ی مسیلمه و اسود به عنوان سبب نزول آیه این است که ادعای پیامبری آن‌ها در سال یازدهم هجری بوده است و آن زمان مصادف بود با زمانی که پیامبر اکرم (ص) در بستر بیماری است و به تعبیری پروندهٔ نزول قرآن کریم با آخرین آیه که «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» می‌باشد، بسته شده است و در هیچ گزارش تاریخی بیان نشده است که آیه ۹۳ سوره أنعام آخرین آیه است، بنابراین نمی‌توان آن حادثه را سبب نزول نامید (رشید رضا، ۱۹۶۰، ج ۷، ص ۶۲۴) تنها می‌توان آن حادثه را مصداق بارزی از تفسیر آیه ۹۳ سوره أنعام و تطبیقش با آن قلمداد کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۰۵).

۲-۱-۲-۲-۲. اضطراب متنی روایات

در سبب نزول روایت عبدالله بن ابی سرح اضطراب متنی وجود دارد، و اضطراب متن یکی از علل‌های ضعف حدیث است. علاوه بر اضطراب متنی هیچ‌کدام از روایت‌های ذکر شده با مسلمات تاریخی و متن قرآن کریم سازگاری ندارد که در ادامه به ذکر روایت‌های مضطرب به اصطلاح سبب نزول و نقد آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف) کلبی از ابن عباس روایت می‌کند: روزی پیغمبر (ص) او را خواست که آیه ۱۴-۱۲ سوره مؤمنون را که نازل شده بود، یادداشت کند. عبد الله پس از آنکه فقره «لَمَّا أَتَيْنَاهَا خُلِقْنَا آخَرًا»

را نوشت از جزئیات آفرینش انسان به شگفت آمده و گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». پیغمبر (ص) فرمود: بر من همین طور نازل شد. عبد الله به شک افتاد و گفت اگر محمد راست می گوید، پس بر من نیز چون او وحی نازل شده و اگر یک مدعی دروغین است، من نیز چون خدا آیه نازل می کنم و مرتد شد (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۳).

این روایت نمی تواند به عنوان سبب نزول مورد پذیرش قرار گیرد زیرا سوره مومنون به عنوان هفتاد و چهارمین سوره در مکه نازل شده است (ابن ضریس، بی تا، صص ۳۴-۳۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴) و از آنجایی که ادعا شده است آیه ۹۳ در مدینه نازل شده، بین سبب اتفاق افتاده در مکه و نزول آیه در مدینه چندین سال فاصله است و نمی توان آن را به عنوان سبب نزول پذیرفت و اگر بپذیریم که هم سبب و نزول آیه در مکه بوده، این نیز قابل قبول نیست، زیرا سوره مومنون هفتاد و چهارمین سوره و سوره انعام پنجاه و پنجمین سوره نازل شده در مکه است، یعنی در زمان نزول سوره انعام هنوز سوره مومنون نازل نشده بود تا برخی آیاتش سبب نزول سوره انعام شود.

ب) از عکرمه روایت کرده اند که عبد الله بن سعد بن ابی سرح در نوشتن آیاتی که نازل می شد خیانت می نمود، عبارت «عَزِيزٌ حَكِيْمٌ» را «عُقُوْرٌ رَجِيْمٌ» نوشت و بر مردم قرائت کرد و اگر هم می گفتند آیه اینطور نیست، در جواب می گفت چه فرق می کند سخن من نیز مانند محمد است، در نتیجه سبب نزول آیه ۹۳ انعام شد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰).

ج) ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت کرد که آن حضرت فرمود: هر وقت آیه ای نازل می شد رسول خدا (ص) عبدالله بن ابی سرح را می خواست تا آن آیه را بنویسد، رسول خدا وقتی املا می فرمود «و الله سمیع بصیر» او می نوشت «سمیع علیم» رسول خدا (ص) می گفت: «و الله بما تعملون خبیر» او به جای «خبیر» می نوشت «بصیر». در نتیجه آیه ۹۳ انعام نازل شد (حویزی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۴۶).^۱

سه روایت فوق دارای اضطراب متنی است و حدیث مضطرب در ردیف احادیث ضعیف قرار می گیرد. در روایت اول بحث بر جابه جایی دو عبارت «عَزِيزٌ حَكِيْمٌ» و «عُقُوْرٌ رَجِيْمٌ» است، در حالی که در روایت ابوبصیر بحث و اختلاف بر عبارت های «و الله سمیع بصیر»، «سمیع علیم» و «و الله بما تعملون خبیر» و عبارت «خبیر» است. در روایت ابن ابی حاتم نیز عبارت ها دگرگونه شده اند و بحث و اختلاف و جابه جا نوشتن بر روی عبارت های «سَمِيْعًا عَلِيْمًا» و «عَلِيْمًا حَكِيْمًا» است.

^۱ و نیز ر.ک: «و أخرج ابن أبي حاتم عن السدي كان يكتب للنبي صلى الله عليه وسلم فكان إذا أملى عليه سميعاً عليماً كتب عليماً حكيماً و إذا قال عليماً حكيماً كتب سميعاً عليماً فشك و كفر و قال ان كان محمد يوحى اليه فقد أوحى إلى» (سيوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰).

اشکال دیگر این است که آیه شریفه «وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» با آنچه که در روایات است که عبد الله بن ابی سرح گفته بود: [فانا انزل مثل ما انزل الله] منطبق نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۰۷) زیرا از آیه قرآن کریم استنباط می‌شود که معارض، وعده به آینده می‌دهد اما در سه روایت فوق از وعده به آینده خبری نیست.

۲-۱-۲-۲-۳. سبب نزول صحیح آیه

در میان روایت‌های سبب نزول روایتی بیان شده است که به صراحت نزول آیه را در مکه تثبیت می‌کند. این روایت سبب نزول آیه را نصر که مردی از بنی عبدالدار است می‌داند و از این سبب نزول می‌توان چنین برداشت کرد که آیه ۹۳ نیز در مکه و به همراه کل سوره نازل شده است. عبد بن حمید از عکرمه نقل کرده که گفت:

«بعد از آنکه سوره «وَأَلْمَسَاتِ عُرْفًا* فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا» نازل گردید، نصر که مردی از بنی عبدالدار بود در مقابل آیات این سوره گفت: من نیز مثل آن را خواهم آورد و چنین سرود: [و الطاحنات طحنا فالعاجنات عجنًا] بعد از این خداوند دربارهاش آیه ۹۳ انعام را فرستاد» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰).

این سبب نزول به حقیقت نزدیک‌تر است زیرا اشکال‌هایی که بر روایات متعارض عبدالله بن ابی سرح وارد بود، بر این روایت وارد نیست، کما اینکه بر اساس روایات ترتیب نزول نیز سورهٔ مرسلات قبل از سورهٔ انعام نازل شده است (ابن ضریس، بی‌تا، صص ۳۴-۳۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، صص ۶۰-۵۹) و منطقی به نظر می‌رسد.

بنابراین با توجه به تناقض‌های بین اسباب نزول و اضطراب متنی در سبب نزول‌های مربوط به عبدالله بن ابی سرح و وجود روایت متعارض، با آنکه سبب نزول حقیقی آیه محسوب می‌شود می‌توان پذیرفت که روایت‌های مربوط به عبدالله بن ابی سرح در حقیقت مصداق تفسیری آیه است و برخی از مفسران در هنگام نقل قول به جای فقراً فنزل را مطرح کرده‌اند همچنانکه سیوطی به نقل از ابن تیمیه و زرکشی به این مسئله اشاره کرده است (رشید رضا، ۱۹۶۰، ج ۷، ص ۲۸۴).

از طرفی دیگر باید پذیرفت که محدثان و مفسران اهل سنت حدیث صحابه و تابعان را به ترتیب به‌عنوان حدیث معتبر به نام‌های موقوف و مقطوع پذیرفته‌اند درحالی‌که از نظر شیعه تنها می‌توان آن نقل قول‌ها را اجتهاد صحابه و تابعان دانست و از آنجایی که صحابه در نزد اهل سنت مبرا از خطا و اشتباه هستند، و بعضاً در سلسله سندهای نقل‌های اسباب نزول قرار دارند،

مفسران اهل سنت را بر آن داشت تا حد امکان بین روایت‌های متناقض جمع و سازش ایجاد کنند که این جمع و سازش باعث پیدایش استثنای آیه ۹۳ انعام گشت.

۲-۱-۲-۳. بررسی سیاق آیات

بین قسمت اول و دوم آیه از جهت ظاهری و محتوایی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که جدا نمودن این دو قسمت با فصاحت و بلاغت ادبیات عرب سازگاری ندارد. حرف «واو» در عبارت «وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ...» حرف عطف است و با قسمت اول در ارتباط بوده (صافی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۲۲۱) و از جهت محتوایی نیز این دو قسمت درباره افترا و ظلم به خداوند است؛ بنابراین نمی‌توان بین این دو فقره از آیات فاصله ایجاد کرد.

عبارت «وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» کامل‌کننده و مصداقی از عبارت «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» است و نمی‌توان بین این دو از جهت نزول فاصله ایجاد کرد. از این گذشته بین آیه ۹۳ و قبل و بعدش ارتباط وثیقی برخوردار است و جدا نمودن این آیه از قبل و بعدش با سخنوری و بلاغت سازگاری ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۰۷).

۲-۲-۲. خلط معیارهای مکی و مدنی در بررسی آیات مستثنیات

چهار آیه از آیات مستثناه شده سوره انعام بر اساس خلط معیارهای مکی و مدنی به وجود آمده است و هرگاه معیار تعیین مکی و مدنی بر اساس زمان باشد دیگر لزومی بر مستثناه شدن آن‌ها نیست، که در ادامه به شرح و بیان هر یک پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱. ابطال نظریه مدنی بودن آیه ۱۱۴ سوره انعام

یکی از آیاتی که بر اساس خلط میان معیارهای مکی و مدنی مستثنی شده است آیه: «أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (الأنعام: ۱۱۴) است، که در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

اولین بار مقاتل بن سلیمان با اجتهاد خویش آیه فوق را در ردیف آیات مستثنیات قرار داد، اما سمرقندی در قرن چهارم و شیخ طوسی در قرن پنجم که در بیان آیات مستثنیات بوده‌اند، این آیه را در ردیف مستثنیات قرار نداده‌اند. از این گذشته درباره مستثنا شدن کل آیه و یا قسمتی از آن نیز بین مفسران اختلاف است؛ مقاتل بن سلیمان در تفسیرش قسمتی از آیه فوق را در ردیف

آیات مستثنیات می‌داند. عبارت وی چنین است: «سورهٔ الأنعام مکیه الا جزء من الآیه ۱۱۴ ﴿وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ...﴾».

ابن عطیه نیز قسمتی از آیه را در ردیف مستثنیات قرار داده است، اما از آنجایی که سر منشأ استثناء شدن این آیه به مقاتل باز می‌گردد و مقاتل با عبارت «جزء من الآیه» قسمتی از آیه ۱۱۴ را استثنا کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که به جهت توصیف اهل کتاب در این قسمت آیه، مقاتل را بر آن داشته است که این قسمت از آیه را مستثناء نماید و مفسران در قرن‌های بعد به پیروی از مقاتل بعضاً قسمتی از آیه را و بعضاً کل آیه را در ردیف مستثنیات قرار داده‌اند. آیت الله معرفت نیز علت استثناء شده این آیه را ذکر اهل کتاب می‌داند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۲).

۲-۱-۲-۲. نقد و بررسی علل پیدایش

از آنجایی که دلیل اصلی مستثناء شدن آیه توصیف اهل کتاب دانسته شده است، باید گفت که این دلیل محکمی بر استثناء شدن آیه نمی‌باشد، کمالینکه در سوره‌های مکی نیز از اهل کتاب و یهودیان سخن به میان آمده است و هیچ مفسری آن آیات را در ردیف آیات مستثنیات قرار نداده است. آیاتی مانند: «وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (عنکبوت: ۴۷) «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶) «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۴۳)».

از این گذشته بر اساس نظر مقاتل که علت تامه مستثنی شدن این آیه است، نمی‌توان پذیرفت که قسمتی از این آیه «وَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُفْتَرِينَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُفْتَرِينَ»، در مدینه و قسمت‌های دیگرش به همراه کل سوره در مکه نازل شده است زیرا هیچ محقق و مفسری بین نزول یک آیه فاصله ایجاد نکرده است. از این گذشته ضمیر «واو» در عبارت «فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُفْتَرِينَ» به ضمیر «کم» «إِلَيْكُمْ» در عبارت «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا» مذکور در قسمت اول آیه باز می‌گردد و جدا نمودن این دو قسمت آیه با بلاغت اعلای زبان عربی سازگاری ندارد. بنابراین اگر در تعیین مکی و مدنی آیات، معیار بر زمان گذاشته شود دیگر آیه فوق در ردیف مستثنیات قرار نمی‌گیرد.

۲-۲-۲. ابطال نظریه مدنی بودن آیه ۱۵۱ - ۱۵۳ سورهٔ انعام

یکی از آیاتی که بر اساس خلط میان معیارهای مکی و مدنی مستثنی شده است آیه ذیل است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ

إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَزَرُفُكُمُ وَ إِيَاهُمْ وَ لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمُ وَصَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَ لَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمُ وَصَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكَمُ وَصَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الانعام: ۱۵۳-۱۵۱) که در ادامه به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود:

۲-۲-۲-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

آیه‌های فوق از جمله آیاتی هستند که مقاتل بن سلیمان آن‌ها را در ردیف مستثنیات قرار داده است. وی به صورت غیر مستقیم به علت استثنا شدن آن نیز اشاره کرده و علت را بیان حلال‌ها و تفصیل حرام‌های ذکر شده در این آیه می‌داند (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۴۵). پس از وی از استثنا شدن این آیات اثری در دست نیست تا اینکه در قرن پنجم شیخ طوسی در «التبیان» فقط استثناء بودن این آیات را نقل کرده است. بعد از وی مفسری به نام محمد کرمی حویزی در قرن پانزدهم علت استثنا شدن را چنین گوید: «سوره الانعام مکیه کلها باستثناء ما فیها من آیات احکام فی اواخرها» (نک: طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت استثنا شدن این آیات وجود حلال‌ها، حرام‌ها و احکامی است که در این آیات ذکر شده است.

۲-۲-۲-۲. نقد و بررسی علل پیدایش

علت مستثنی شدن آیه وجود احکامی نظیر «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» «وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»، «وَ لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» «وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»، «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» در آن است و هرگاه ملاک تقسیم مکی و مدنی را ملاک‌های موضوعی انگاشته شود، این آیات در ردیف آیات مدنی قرار می‌گیرند زیرا در لابلای کتاب‌های علوم قرآنی در بحث مکی و مدنی چنین آمده است: «هر سوره‌ای که احکام را به تفصیل بیان کند، مدنی است» (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۱).

اما باید بیان داشت که این معیار، معیاری دقیق نیست و بهترین معیار در تشخیص مکی و مدنی، معیار زمان است و احکام در مکه نیز تشریح شده است. سفارش جهت نیکی به پدر و مادر در آیات ۲۳ سوره اسراء و ۱۵ سوره احقاف و نهی از کشتن فرزند به جهت تنگدستی نیز در آیه ۳۱ سوره اسراء، تحریم به فواحش ظاهری و باطنی در آیه ۳۳ سوره اعراف، نهی از کشتن نفس بر باطل در آیه ۳۳ سوره اسراء، نزدیک نشدن به مال یتیم در آیه ۳۴ سوره اسراء و با عدل

و داد رفتار کردن در معامله در آیه‌ی ۳۵ سوره اسراء و ۱۸۱ سوره شعراء ذکر شده است و بنا بر روایات ترتیب نزول سوره‌های اسراء، احقاف، اعراف و شعراء مکی هستند (ابن ضریس، بی‌تا، صص ۳۴-۳۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴).

با کمی کنکاش در محتوای احکام ذکر شده در آیات مورد بحث می‌توان نتیجه گرفت که این مشکلات بیشتر در مکه جریان داشته است نه مدینه. نیز در ابتدای آیه به صراحت از نفی شرک به خدا «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» سخن به میان آورده است و خطاب آیه مشرکان مکه هستند. نیز جهت بطلان استثنا شدن این آیه باید گفت که این آیه با آیات قبل و بعدش از جهت ظاهر و محتوا ارتباط وثیقی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۱۶). نیز مرجع ضمیر «او» در عبارت‌های «تَعَالَوْا» و «تُشْرِكُوا» و ضمیر «کم» در عبارت‌های «رَبُّكُمْ» و «عَلَيْكُمْ» به عبارت‌های «الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» و «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ» و «هُمْ يَرْجِعُ يَغْدُلُونَ» باز می‌گردد و نمی‌توان پذیرفت که بین این آیات در نزول فاصله افتد.

۲-۳. تفسیر نادرست آیه در شکل‌گیری آیات مستثنیات

آیه ۱۴۱ سورهٔ انعام به جهت تفسیر نادرست عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» پدیدار گشته است و با تفسیر صحیح این عبارت، آیه از ردیف آیات مستثنیات خارج می‌شود که در ادامه به بیان و شرح آن پرداخته می‌شود:

۲-۳-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الأنعام: ۱۴۱) در تفسیر مقاتل بن سلیمان که در قرن دوم نوشته شده و آغازگر بحث آیات مستثنیات در تفسیر قرآن کریم بوده، در ردیف مستثنیات قرار نگرفته است (نک: بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۴۸).

اولین بار زمخشری (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳) و فخر رازی در قرن ششم (نک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۴۷۱) و پس از آن بغدادی در قرن هشتم در تفسیر لباب التاویل فی معانی التنزیل (نک: بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۷) و قاسمی در قرن چهاردهم در تفسیر محاسن التاویل (نک: قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۰۶) آن را در ردیف مستثنیات قرار داده‌اند.

فخر رازی در تفسیر عبارت «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» به ایراد سؤال پرداخته و جواب آن را با مستثنی نمودن آیه فوق داده است، بدین معنا که چگونه می‌توان بین مکی بودن سورهٔ انعام و

تشریح حکم زکات در مدینه جمع نمود؟ بدین معنا که در مکه هنوز زکات تشریح نشده بود (نک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۶۴). زمخشری نیز سؤال فوق را مطرح کرده است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱)، قاسمی نیز با همین استدلال آیه را مستثنی نموده است (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۵۰۷).

۲-۳-۲. نقد و بررسی علل پیدایش

علت اصلی مستثنی شدن این آیه عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» است زیرا برخی از مفسران آن را به معنای زکات واجب گرفته‌اند درحالی که در روایات بی‌شماری در ذیل آیه فوق آن را به معنای صدقه گرفته‌اند نه زکات، بنابراین با نفی حکم زکات و پذیرش صدقه دیگر نیازی به مستثنی نمودن این آیه نیست (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۲۱).

عبارت فوق بر صدقه دلالت دارد نه زکات شرعی. در سوره‌ی قلم که به اتفاق نظر تمام مفسران و روایات ترتیب نزول، سوره‌ای مکی است (ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴) داستان جمع‌آوری محصول توسط صاحبان باغ بیان شده و می‌فرماید: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ» (القلم: ۱۷) و در ادامه به ذکر این مطلب می‌پردازد که صاحبان باغ نمی‌خواهند از اموال خود به جهت صدقه به نیازمندان کمک کنند که خداوند چنین فرمود: «أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ» (القلم: ۲۴) از آنجایی که در سوره مکی قلم به صدقه دادن و کمک به مسکین از جانب دارندگان محصول و میوه اشاره شده است، می‌توان عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» را به معنای صدقه و انفاق در جهت مفهوم و تکمیل آیات سوره‌ی قلم تفسیر نمود نه زکات واجب و شرعی.

دلیل دیگر بر رد عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر زکات واجب، این است که زکات در همه حال واجب است نه فقط در زمان جمع‌آوری محصول؛ درحالی که آیه از بخشش در زمان جمع محصول سخن به میان آورده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸۲).

سیاق عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» نیز بر صدقه دلالت دارد. قبل از عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» چنین آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ» در این آیات از باغ‌های انگور و درختان میوه از جمله خرما، زیتون و انار سخن به میان آورده است و در ادامه بیان می‌دارد که در هنگام جمع‌آوری محصول باید مقداری از آن را به بینوایان بدهید، این در حالی است که بسیاری از مفسران بر این نظر هستند که در درختان میوه و خصوصاً زیتون و انار زکات واجب و شرعی معنا ندارد (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۳).

نیز در روایات بی‌شماری بیان شده است که زکات به انار، درختان میوه و زیتون تعلق نمی‌گیرد. از امام باقر(ع) روایت شد که فرمود: «أَنَّ الزَّكَاةَ إِذَا جُمِعَتْ جَمِيعَهَا فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ حَصَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَرِيبَتِهَا فِيهَا وَ هِيَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ الْحِنْطَةُ وَ الشَّعِيرُ وَ التَّمْرُ وَ الزَّيْبُ وَ الْإِبِلُ وَ الْبَقَرُ وَ الْعَنَمُ وَ عَقَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۰). از فحوای حدیث ذکر شده و نیز عبارت «عَقَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» می‌توان دریافت که زکات واجب و شرعی بر مصادیق خاصی تعلق می‌گیرد. علاوه بر این در لابلای روایات می‌توان مطالبی یافت که به صراحت بیان می‌کند، زکات شرعی به میوه‌ها از جمله انار و زیتون تعلق نمی‌گیرد: «لَا زَكَاةَ فِي الْخَضِرِ، وَ الْبُقُولِ، وَ الْفَوَاكِهِ، وَ نَحْوِهَا، وَ كُلُّ مَا يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۸).

نیز در انتهای آیه و بعد از عبارت «وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» عبارت «وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ذکر شده است که این عبارت بر این مطلب دلالت دارد که در هنگام اعطای صدقه و انفاق، زیاده‌روی نشود، این در حالی است که اسراف در زکات معنایی ندارد، زیرا زکات مقدارش مشخص است، اما صدقه و انفاق کمیّت و مقدارش مشخص نیست (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۱۷).

در برخی از روایات نیز از آن به‌عنوان صدقه یاد کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) از امام صادق چنین روایت شده است: «فِي الزَّرْعِ حَقَّانَ: حَقٌّ تَتَّخِذُ بِهِ، وَ حَقٌّ تَعْطِيهِ. قُلْتُ: وَ مَا الَّذِي أُؤْخَذُ بِهِ، وَ مَا الَّذِي أُعْطِيهِ؟ قَالَ: أَمَّا الَّذِي تَتَّخِذُ بِهِ، فَالْعَشْرُ وَ نِصْفُ الْعَشْرِ. وَ أَمَّا الَّذِي تَعْطِيهِ، فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۴۵۸). از فحوای روایت ذکر شده می‌توان چنین استنباط کرد که عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر زکات واجب تشریح شده در مدینه دلالت ندارد.

ب) در روایت دیگری چنین آمده است: «عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ- قَالَ حَقُّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ عَلَيْكَ وَاجِبٌ وَ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ تَقْبِضُ مِنْهُ الضَّغْتُ مِنَ السَّنْبِلِ لِمَنْ يَخْضُرُكَ مِنَ السُّؤَالِ وَ لَا تَخْضُدُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۹۷).

ج) در روایت دیگری چنین آمده است: «شَعِيبُ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِهِ «وَ أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» قَالَ الضَّغْتُ مِنَ السَّنْبِلِ وَ الْكَفُّ مِنَ التَّمْرِ إِذَا خَرَصَ» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۸). از این روایت نیز می‌توان استنباط کرد در هنگام درو و جمع‌آوری محصول باید حق مستمندان را پرداخت و اگر در هنگام جمع‌آوری محصول بینوایی حاضر نشد، دیگر بر صاحب محصول لازم نیست که حق مستمندان را بدهد.

(د) مفهوم فوق الذکر از روایت زیر نیز قابل استنباط است: «سعد بن سعد عن الرضا ع قال قلت فإن لم یحصُر المساکین و هو یحصد کیف یصنع؟ قال لیس علیه شیء» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ این در حالی است که زکات واجب و شرعی در زمان جمع‌آوری محصول پرداخت نمی‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸۲) و زکات واجب و شرعی بعد از جمع‌آوری، تصفیه و مشخص شدن وزن محصول انجام می‌شود (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۱۸). بنابراین با تفسیر صحیح عبارت «أَتُوا حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ» بر صدقه دیگر نیازی نیست جهت حل تعارض به استثناء شمردن این آیه روی آورد.

۲-۴. نقش تصحیف و تحریف در پیدایش آیات مستثنیات

آیه ۲۳ سوره أنعام بر اساس تصحیف و اشتباه ناسخان در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است، که در ادامه به بیان و شرح آن پرداخته می‌شود:

۲-۴-۱. ابطال نظریه مدنی بودن آیه ۲۳ سوره أنعام

آیه «مَّمْ لَمْ تَكُنْ فِئْتَنُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (الأنعام: ۲۳) بر اثر تصحیف و سستی ناسخان در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است.

۲-۴-۱-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

هیچ اثری از استثناء شدن این آیه در لابلائی تفاسیر متقدمان یافت نشد. حتی مقاتل بن سلیمان که به دنبال بیان و استقصاء کامل آیات مستثنیات است از آن نامی نبرده تا اینکه در قرن چهاردهم طنطاوی در تفسیر الوسیط للقرآن الکریم (نک: طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص ۷) و دروزه در التفسیر الحدیث به نقل از مصحف امیری^۲ و به قصد نفی آن، این آیه را در تفسیرشان ذکر کرده‌اند.

^۲ مصحف امیری (مصری) قرآنی است که بر اساس روایت حفص بن سلیمان بن مغیره اسدی کوفی از قرائت عاصم بن ابی النجود کوفی تابعی از ابی عبدالرحمن عبدالله بن حبیب السلمی عن عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب و زید بن ثابت و ابی بن کعب از پیامبر اکرم (ص) کتابت و علامتگذاری شده است و در کنار مصحف عثمانی، هندی و جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. اصولاً مصحف‌ها برای بیان شیوه قرائت نوشته شده‌اند نه در زمینه‌ی بیان آیات مستثنیات (برای مطالعه بیشتر ر.ک: علی‌پور، بررسی اجمالی مصحف امیری، پایگاه مرکز طبع و نشر قرآن کریم).

ملاحظه‌ی آل غازی نیز مانند دروزه به نقل از مصحف امیری آیات مستثنیات این سوره را ذکر کرده است اما به جای آیه ۲۰، عدد ۲ و به جای آیه ۲۳ عدد ۳۲ را ذکر کرده است که مسلم است این اشتباه در اثر استنساخ به وجود آمده زیرا در متن هیچ اشاره‌ای به استثنا آیه ۲ و یا ۳۲ نمی‌کند اما در هنگام تفسیر در ذیل آیات ۲۰ و ۲۳ به استثنا بودن آن‌ها اشاره می‌کند (نک: دروزه، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۱۸).

طنطاوی در هنگام تفسیر آیه به هیچ مطلبی در جهت نفی و یا اثبات آن اشاره نکرده است (نک: طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص ۵۷) و دروزه بیان نموده است که هنگام جستجو در میان تفاسیر به هیچ روایت و یا نقلی مواجه نشده است که این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار داده باشد (نک: دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۷۸). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که منشأ مستثنی شدن این آیه مصحف امیری است که بر اساس تصحیف و تحریف و اشتباه ناسخان در ردیف مستثنیات قرار گرفته است.

۲-۱-۴-۲. نقد و بررسی نظریه استثناء آیه

به هر روی جهت بطلان استثناء شدن آیه فوق باید بیان کرد که آیه ۲۳ با آیات ۲۲ و ۲۴، ۲۵ و ۲۶ هم از جهت ظاهر و هم از جهت محتوا ارتباط وثیقی دارد. مجموع این آیات بدین شرح است:

«وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (الانعام: ۲۲) انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (الانعام: ۲۴) وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا... (انعام: ۲۵) وَ هُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ يَتَأَوَّنَ عَنْهُ وَ إِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (انعام: ۲۶).

از جهت ظاهر، مرجع ضمیر «هم» و «واو» به ترتیب در دو عبارت «فَتَنْتَهُمُ» و «قَالُوا» به عبارت «لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا» مذکور در آیه ۲۲ باز می‌گردد، نیز ضمائر «واو»، «هم»، «هم» و «واو» به ترتیب در عبارت‌های «كَذَبُوا»، «أَنْفُسِهِمْ»، «عَنْهُمْ» و «مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» مذکور در آیه ۲۴ به عبارت «مشرکین» مذکور در آیه ۲۳ باز می‌گردد. از این گذشته حرف «ثُمَّ» در ابتدای آیه ۲۳ حرف عطفی است که کل آیه را به آیه و آیات قبل متصل می‌سازد (درویش، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۵).

بنابراین منقطع نمودن سخنان به هم متصل با بلاغت و فصاحت زبان عربی سازگاری ندارد و از جهت محتوایی نیز بین آیات ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و دیگر آیات ارتباط برقرار است. موضوع اصلی این آیات شرک و مشرکان و نحوه برخوردشان با آیات قرآن و پیامبر است (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۷۸) و دو عبارت «منهم» و «هم» در دو آیه ۲۵ و ۲۶ در حقیقت در بیان توصیف و

توضیح مشرکانی است که در آیه ۲۳ انعام با عبارت «مُشْرِكِينَ» ذکر شده است. بنابراین با توجه به ارتباط قوی ظاهری و محتوایی بین آیه ۲۳ انعام با آیات قبل و بعدش نمی‌توان پذیرفت که این آیه در زمانی غیر از زمان نزول دیگر آیات نازل شده است و مستثنی نمودن این آیه صحیح نمی‌باشد.

۲-۴-۲. ابطال نظریه مدنی بودن آیه ۱۱۱ سوره انعام

آیه ۱۱۱ سوره انعام نیز بدون هیچ علتی در ردیف آیات مستثنیات قرار گرفته است: «وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام: ۱۱۱). در ادامه به بیان تاریخچه پیدایش و نفی آن پرداخته می‌شود:

۲-۴-۲-۱. تاریخچه و علل پیدایش آیه مستثنی

در تفسیر مقاتل بن سلیمان و دیگر تفاسیری که در بیان ذکر آیات مستثنیات هستند هیچ اثری از استثنا شدن این آیه به چشم نمی‌خورد تا اینکه در قرن سیزدهم هجری آلوسی بدون هیچ دلیلی در روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۲) این آیه را در ردیف آیات مستثنیات قرار داده است.

۲-۴-۲-۲. نقد و بررسی

جهت نفی استثناء آیه ۱۱۱ انعام باید گفت به جهت اتصال این آیه با قبل و بعدش نمی‌توان پذیرفت که جدای از کل سوره نازل شده است چرا که آیات قبل آن بدین شرح است:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ* وَ نُفَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ نَدُّهُمْ فِي طُعْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ* وَ لَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَ حَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام: ۱۱۱-۱۰۸).

ضمیمه‌های هم به ترتیب در «إِلَيْهِمْ»، «كَلَّمَهُمْ»، «عَلَيْهِمْ» و «أَكْثَرَهُمْ» و واو به ترتیب در «كَانُوا» و «لِيُؤْمِنُوا» و «يَجْهَلُونَ» به ضمائر ذکر شده در آیات ۱۱۰ و ۱۰۹ باز می‌گردد و مرجع این ضمائر به عبارت «الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» مذکور در آیه ۱۰۸ باز می‌گردد. از جهت محتوایی نیز آیات ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱ به هم متصل هستند عبارت «وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ...» بیان و شرح عبات های «إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ» و «لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا» مذکور در آیه ۱۰۹

است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۲۰) و نمی‌توان بین آنها فاصله ایجاد کرد. بنابراین پذیرش نزول این آیه به تنهایی در مدینه و جدای از کل سوره به فصاحت، بلاغت و سخنوری زبان عربی خدشه وارد می‌سازد.

نتیجه‌گیری

۱- هیچ‌یک از آیات استثنا شدهٔ سورهٔ انعام از پشتوانهٔ روایتی صحیح مبنی بر نزول آن آیه در مدینه برخوردار نیستند و استثنا شدن آیات سورهٔ انعام در مدینه با روایتی که نزول سوره انعام را یکپارچه در مکه می‌داند، در تعارض است.

۲- سبب نزول آیهٔ ۲۰ انعام با ۱۴۶ بقره به جهت عبارت‌های یکسان خلط شده است و مقاتل بن سلیمان به اشتباه سبب نزول آیهٔ ۱۴۶ بقره را در ذیل آیهٔ ۲۰ انعام قرار داده و به جهت حل تناقض این آیه را استثناء کرده است.

۳- آیهٔ ۹۳ انعام به جهت تطبیق روایات مربوط به عبدالله بن ابی سرح و مسیلمه و اسود عنسی به عنوان سبب نزول مستثنی شده است، درحالی که به جهت تناقض و اضطراب متنی بین این روایت‌ها نمی‌توان از آن‌ها به عنوان سبب نزول آیه یاد کرد و تنها می‌توان این گزارش‌ها را تفسیر مصداقی آیه قلمداد کرد. در نقطه مقابل سبب نزول صحیحی وجود دارد که نزول این آیه را در مکه نتیجه‌گیری می‌کند.

۴- آیهٔ ۱۱۴ انعام به جهت خلط میان معیار خطاب و زمان در شناخت مکی و مدنی مستثنی شده است، زیرا در این آیه از یهودیان و اعتقادهایشان صحبت به میان آمده است و اگر معیار، خطاب قرار گیرد این آیه مدنی و هرگاه معیار، زمان قرار گیرد این آیه مکی خواهد بود.

۵- آیات ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۳ انعام نیز به جهت خلط میان معیار موضوع و زمان در شناخت مکی و مدنی مستثنی شده‌اند زیرا در این آیات از احکامی چون نیکی به پدر و مادر، نهی از کشتن فرزندان به جهت تنگدستی، تحریم به فواحش ظاهری و باطنی، نهی از کشتن نفس بر باطل، نزدیک نشدن به مال یتیم و با عدل و داد رفتار کردن در معامله سخن به میان آمده است و اگر معیار، موضوع قرار گیرد این آیات مدنی و هرگاه معیار، زمان قرار گیرد این آیات مکی خواهد بود.

۶- آیهٔ ۱۴۱ نیز به جهت تفسیر عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر زکات واجب، مستثنی شده است. زیرا زکات واجب در مدینه تشریح شده است و برخی از مفسران به جهت حل تناقض (نزول سورهٔ انعام در مکه و تشریح زکات واجب در مدینه) این آیه را مستثنی کرده‌اند، درحالی که بر اساس روایات صحیح از امامان معصوم (ع) و سیاق آیات می‌توان نتیجه گرفت که

عبارت «أَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» بر صدقه و کمک مالی دلالت دارد که صاحب محصول باید در هنگام جمع‌آوری محصول به نیازمند بدهد و ربطی به زکات واجب ندارد.

۷- ریشه استثنا شدن آیه ۲۳ نیز تصحیف و تحریف در مصحف امیری است که بدون هیچ علتی آن را مستثنا کرده است.

۸- آیه ۱۱۱ نیز در قرن سیزدهم با اجتهاد و ذوق آلوسی بدون هیچ توضیح و یا دلیلی مستثنی شده، درحالی‌که هیچ مفسری در طول تاریخ تفسیر آن را در ردیف آیات مستثنیات قرار نداده است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن کریم العظیم، به تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمی.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری، (۱۴۰۹)، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۵. ابن ضریس، محمد بن ایوب، (بی تا)، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، دمشق: دارالفکر.
۶. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
۷. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲)، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، به کوشش عبد السلام محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن کریم العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، (۱۴۱۵)، لباب التاویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، به کوشش شحاته، بیروت: دار احیاء التراث.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۲. حسکانی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۱)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، به تحقیق محمد باقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۹۲)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: چاپ و نشر نوید اسلام.
۱۴. دروزه، محمد عزه، (۱۳۸۳)، *التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول*، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربیه.
۱۵. درویش، محیی الدین درویش، (۱۴۱۵)، *اعراب القرآن و بیانہ*، سوریه: دارالارشاد.
۱۶. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵)، *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۸. رشید رضا، محمد، (۱۹۶۰)، *تفسیر القرآن الحکیم*، مصر: مکتب القاہرہ.
۱۹. زحیلی، وهب بن مصطفى، (۱۴۲۲)، *تفسیر الوسیط (الزحیلی)*، دمشق: دارالفکر.
۲۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۳۶۲)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن کریم*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن کریم*، بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۳. سید قطب، أبو ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن کریم*، بیروت: دار الشروق.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴)، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱)، *الاتقان فی علوم القرآن کریم*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۶. شبیر، سید عبدالله، (۱۴۱۲)، *تفسیر القرآن کریم الکریم*، بیروت: دارالبلاغه.
۲۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۷۶)، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، به تحقیق محمد علی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

٢٩. صافی، محمود بن عبدالرحیم، (١٤١٨)، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت: دارالرشید.
٣٠. صبحی، صالح، (١٩٨٨)، *مباحث فی علوم القرآن کریم*، بیروت: دار العلم للملایین.
٣١. طباطبایی، سید محمد حسین، (١٤١٧)، *المیزان فی تفسیر القرآن کریم*، قم: انتشارات اسلامی.
٣٢. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، (١٣٨٧)، *تاریخ الأمم و الملوک*، به تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
٣٣. طنطاوی، سید محمد، (بی تا)، *التفسیر الوسیط للقرآن کریم*، قاهره: دارالمعارف.
٣٤. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن کریم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٥. عنایه، غازی، (١٤١١)، *اسباب النزول القرآن کریم*، بیروت: دارالجلیل.
٣٦. عیاشی، محمد بن مسعود، (١٣٨٠)، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
٣٧. فیض کاشانی، ملا محسن، (١٤١٨)، *الاصفی فی تفسیر القرآن کریم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
٣٨. قاسمی، جمال الدین، (١٤١٨)، *محاسن التاویل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٣٩. قمی، علی بن ابراهیم، (١٣٦٧)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
٤٠. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (١٣٦٨)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد.
٤١. کریمی حویزی، محمد، (١٤٠٢)، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم: چاپخانه علمیه.
٤٢. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (١٤٠٣)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤٣. معرفت، محمد هادی، (١٤١٥)، *التمهید فی علوم القرآن کریم*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
٤٤. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
٤٥. ملا حویش آل غازی، عبد القادر، (١٣٨٢)، *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*، دمشق: مطبعه الترقی.
٤٦. نوری، حسین بن محمد تقی، (١٤٠٨)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
٤٧. واحدی، علی بن احمد، (١٤١١)، *اسباب النزول القرآن کریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

The Reasons behind the Emergence of Exceptional Verses in Sūrat al-An‘ām (The Cattle)

Muḥammad Ali Ḥaydari Mazraih Ākhund⁴
Zivar Karimi⁵

Exceptional verse is a term used to refer to the existence of the Medinan verses in Meccan sūras and vice versa. Ten of the verses in sūrat l-an‘ām are enumerated as exceptional. Although sūrat l-an‘ām is considered Meccan based on the narratives indicating the revelation order of the sūras, the Medinan nature of these ten verses cannot be ensured based on certain other narratives indicating the continuous revelation of the verses in the Holy Quran. The present study tries running a root-finding research on the exceptional verses in sūrat l-an‘ām and concludes that these exceptional verses have come to existence based on some fake revelation means and blending of the Meccan and Medinan verses’ criteria and the literal and common meaning of some examples of the verses and considering the personal taste of the verses. Next, the apparent and contextual relationships of the verses are used and the narratives indicating the revelation means are criticized and the real meaning of the case verses will be investigated to come to the result that the whole sūrat l-an‘ām has been revealed in Mecca hence the statements about the exceptional verses therein are revoked. It will be also figured out that these exceptional verses in sūrat l-an‘ām have come about in the course of interpretation history through incorrect exegesis of the interpreters.

Keywords: exceptional verses, sūrat l-an‘ām, revelation means, Meccan and Medinan, verses’ interrelationships.

⁴. Assistant Professor in Qur’ān and Hadith Sciences, Yazd University. (Responsible Author) heydari@yazd.ac.ir

⁵. Master of Science in Quran and Hadith, at the University of Quran and Education, Tehran. z.karimi@yahoo.com